

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۹ فروردین ۱۴۰۲

خطبه‌ی شب ۱۹ رمضان شب قدر

الحمد لله رب العالمین بر آمدن سفره‌ی احسان الهی، بر انوار کتاب آسمانی قرآن کریم آنگاه که خطاب فرمود: ای اهل ایمان روزه بر شما مقرر و لازم شد تا پرهیزگار شوید. این ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده، قرآنی که سراسر هدایتگر مردم است و دارای دلایلی روشن و آشکار از هدایت می‌باشد و مایه‌ی جدایی حق از باطل است و شب قدر را در ماهی قرار داد که با هزار ماه برابر است. پس سلام بر قدر که سفره‌ی احسان پروردگار برای آنانی که طلب سرعت در کسب معرفت و رضایت خدا را دارند گسترده کرده، بندگانش را تشویق به عبادت، توبه و مناجات فرموده است. پس ما نیز به یاری پروردگار آغاز می‌کنیم شب‌های قدر امسال را و عاجزانه از خدایمان می‌خواهیم ما را یاری فرماید تا از آن بهره‌ی کافی ببریم.

شب قدر شگفتی‌هایی را در جانش به ودیعه دارد. هرگاه به مشیت پروردگار عالم کلیدش گشوده شود زبان اعجاز آن به سخن درآید و صدای جان‌ها در نهانشان آشکار می‌شود و وعده‌ها محقق شود و آنچه در ضمیر جان‌ها نقش گرفته است نمایان می‌گردد. جان‌های شیفته به دیدار حق مزین می‌شود. هر کس شب قدری را که به احیا نشسته، عبادت و مناجات کرده را در قالب باطنی‌اش خواهد دید. وای بر آنان که عملشان باطن نداشته و فقط ظاهراً بیداری نصیبشان می‌شود.

اینک ما قدرنشینان این خانه‌ی مقدس دست نیاز به سفره‌ی قدرش می‌گشاییم تا در شیرینی لحظاتش جانمان را از شرابی بخورانیم که خالقمان فرموده: ساعاتش همچون گنجی تمام نشدنی است درحالی‌که صبحی در نهانش نهفته است که بشارتی بس عظیم را مژده می‌دهد. اینک روی سخن با قدرنشینان این شب با شکوه است که با شتاب به سویش آمدند تا در دلش جای گیرند؛ آیا توان گشودنش را دارند؟ یا فقط ساعتی را به راز و نیاز مشغول می‌شوند و بعد باز صبحی دیگر آغاز می‌شود و باز شبی دیگر می‌آید و او در محضر قدر می‌نشیند و باز صبح دیگری می‌آید تا شب‌های

با فضیلتش می‌گذرد و از مجموعه‌ی این ساعات با شکوه خاطرهای به جا می‌ماند، می‌رود تا رمضان دیگر و شب‌های قدری که در جان این ماه با فضیلت نهفته است؛ پس چاره‌ی درکش چیست؟ تضرع و توبه است؟ نماز و عبادت است؟ فریاد و فغان است؟ چه کلیدی این رمز را می‌گشاید؟ این چه رمزی است که فرق عابدترین بنده‌ی خدا را زخم می‌زند و او این زخم را رستگاری می‌خواند؟ فرقی که در نهانش جز اطاعت و بندگی آثار دیگری نبود؛ پس چرا امیر مؤمنان می‌فرماید: به خدای کعبه رستگار شدم؟ روی سخن این پیام با چه کسانی است؟ با محبان است؟ با عزاداران است؟ با شیعیان راستین نبوت است؟ با کدام دسته صحبت می‌کند و من در این پیام در کدامین جایگاه هستم؟

مسجد کوفه و محرابش اینک هزار و اندی سال است که شب‌های ۱۹ ماه رمضان از فراق مولایمان، امیر مؤمنان (ع) چنان به فغان ناله سر می‌دهد که در آن ساعات هر کس در آنجا حضور یابد سنگینی و غم بزرگی بر قلب و روحش وارد شده، در فشار آن جان و روحش آزرده می‌شود که تحملش سخت است و ما بسی سعادتمند هستیم که زبان محراب را برایمان گویا فرمودند که چنین گفته است:

فرشتگان قدر آمده‌اند تا از سجاده‌ی مولایشان بوی ملکوت را درک کنند. ملکوتی که از آن آمده‌اند ولی توان بردن دلی را ندارند که بارگاه جبروتی خالقش در سینه‌ای جا گرفته که صدای یا رب، یا ربش خاک مرا به هزار گلستان ابراهیمی بدل نموده. وای بر طلوع فجری که خاکم به خون فرقتش گلگون می‌شود. او را از کنارم می‌برند. به دنبالشان می‌نگرم. چگونه جانم را از من جدا کردند. حرارتم خاموش شد. همگان برای زیارتم آمدند. محراب امیر مؤمنان را زیارت کردند. من تماشایشان کردم. چگونه توان درک نماز مولایم را دارید. او سرش را بر خاک من می‌گذاشت تا شاهی باشم از حرارت عشقش؛ پس محراب علی با هیچ ذکر و دعایی زنده نمی‌شود. او صاحبش را می‌طلبد. امشب مهمانی دارم که بوی علی می‌دهد. با دست مهربانش دلم آرام شده، هر بار به دیدارم می‌آید جمالش جانم را زنده می‌کند. نامش زنده کننده‌ی زمان‌ها و

دوران‌هاست. محبتش گدایان را بر مکانی مهمان می‌کند که نامش زینت مسجد کوفه است.

پس ای مهمانان کوی مولایمان امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) بیایید فریاد کنیم: یا رب من از دنیایی که به آن مهاجرت کرده‌ام بی‌نیازم زیرا طمع جایگاهی را دارم که امشب برایم آماده نموده‌ای و به رسالت فرمان داده‌ای که امت خویش را بر سر سفره‌ی قدر بنشان. من هم به همان نشانی آمده‌ام پس مولایم را می‌خوانم، «**الهی به علی، الی به علی**».

به من که امامم را برای شفاعت آورده‌ام رحم کن تا در کنار جاء الحق فرق کفر جانم را بشکافم تا با نام مبارکش رستگار شوم. او را می‌خوانم به فرجی که طلوع امشب نوید آن را داده. فرشتگان که حامل بزرگ‌ترین نشانه‌ی خلقت خواهند بود تا به همگان مژده دهند که انتظار منتظران تمام شد و فجر دمید. او آمد تا در چشمان یداللهی‌اش انوار حق، عالم را از تباهی و سیاهی برهاند. او را بخوانید تا فجرتان امضا شود.

اللهم عجل لولیک الفرج